دست فرمونت خوبه؟

می خندد. وقتی یک زن در جواب این سوال بخندد و «آره» بگوید، یعنی پر از غرور شده از این مقایسه برتر و برترین.

«۲۳ ساله راننده‌ام. از ۱۱ سالگی ماشین داشتم. موتورسواری هم می کردم.»

مریم مثل اغلب دختران بوشهر، خیلی زود ازدواج کرد. شوهرش، پسرخاله مادرش بود و چند سال بعد از ازدواج، معتاد شد و مریم درخواست طلاق داد و مثل اغلب زنان بوشهر، نفقه و مهریه و تمام حقوقش را بخشید تا حضانت تنها فرزندش را به دست آورد.

«۱۰ سال اعتیادش رو تحمل کردم. هر روز کتک می‌زد. با شلنگ می‌زد. طلاق گرفتم، شدم سرپرست بچه‌ام. الان، هم خرج زندگی بچه‌ام رو می‌دم، هم خرج شوهرم رو که دو سال پیش سکته کرد و دیگه از کار افتاده شده.»

مریم مددجوی کمیته امداد بود به عنوان زن سرپرست خانوار. پسرش مددجوی بهزیستی بود به عنوان معلول. ۵ سال قبل ۵ میلیون تومان از کمیته امداد وام گرفت که کارگاه خیاطی راه بیندازد، بلافاصله مستمری ماهانه‌اش قطع شد و او را خودکفا اعلام کردند. کارگاه خیاطی اما هیچ‌وقت راه نیفتاد چون هزینه برق کارگاه از قسط ماهانه وام بیشتر بود. به عوض، پول وام رفت بابت خرید یک ماشین قسطی و اسم مریم به فهرست شوتی‌های بوشهر اضافه شد. مریم، اولین زنی است که شوتی شد.

نمی‌ترسی؟ از سرعت، از گیر افتادن، از نرسیدن؟

«دیگه ترس نداره. وقتی افتادی توی جاده و یادته که قسط داری و خرج زندگی داری، دیگه از هیچی ترس نداری. فقط می‌خوای سریع برسی به مقصد. روزای اول سال که جاده امن بود، یک دور تاریک روشن صبح می‌رفتم تا کازرون، تا ۱۱ ظهر برمی‌گشتم. دو ساعت می‌خوابیدم، دوباره می‌افتادم توی جاده. هر بار که می‌رم، درِ خونه رو که می‌بندم، می‌گم خداحافظ، شاید برگشتم، شاید هم برنگشتم.»

آهنگ پیشواز گوشی مریم، ترانه‌ای درباره جاده است، درباره وداع و فراموش شدن و غم جدایی.

«دارم از زندگیت می‌رم / تو جاده فکرت همرامه / مسیر اشتباهامو / توی جاده نشون کردم...»

برخی ماموران پلیس راه، با مریم همراهند. «جاده آزاد» را به مریم خبر می‌دهند و حتی بابت مسیرهای امن هم راهنمایی می‌کنند. هر بار هم بابت اینکه یک زن، مجبور بوده برای خرج نان، دست به چنین کار سخت و خطرناکی بزند، ابراز دلسوزی و همدردی کرده‌اند. ترس مریم و تمام شوتی‌های بوشهر از «بنز سبز» است؛ بنز سبز ماموران مبارزه با قاچاق جاده‌ای که یک باره از ناکجایی از راه می‌رسد و شوتی‌ها را محاصره می‌کند و ماشین‌شان را قفل می‌زند. همان‌هایی که مریم را در مسیر دلوار به شیراز گرفتند و مریم به پایشان افتاد که ماشینش را توقیف نکنند که نان یک خانواده، گروی چرخیدن چرخ‌های این ماشین قسطی است اما وسط جاده تنگ ارم که اگر فریاد بکشی، انعکاس واژگانت در بن‌بست دامان زاگرس گیر می‌افتد، انعکاس التماس‌های مریم را هم هیچ کس نشنید.

«بهش گفتم الان ساعت ۲ صبحه. من هم مردم هم زن. زجر کشیدم تا اینجا رسیدم. این خرج زندگیمه. کل زندگی من همین ماشینه. ماشینم قسطیه. منو نبر، اگه منو ببری ماشینم می‌خوابه. هر کاری کردم گفت باید بریم.»

۷ میلیون تومان جریمه و مصادره کل بار و ۳۵۰ هزار تومان هزینه آزاد کردن ماشین از توقیف، عیدی زنی بود که در یکی از اتاق‌های خانه همسر یک شهید، مستاجر است و نان آور خانه است و هیچ درآمدی جز یارانه ۹۰ هزار تومانی که هر ماه به حسابش واریز می‌شود ندارد. مامور مبارزه با قاچاق جاده‌ای، دلش برای مریم نسوخت که اگر ماشین نباشد و اگر درآمد شوتی نباشد، مریم چطور باید عفیف و نجیب بماند اما صاحبخانه‌اش وقتی از توقیف ماشین باخبر شد، گفت: «سه ماه اجاره معوق حلالت باشه. از این ماه هر وقت کار کردی اجاره رو می‌دی.»

واقعا هیچ شغل دیگه‌ای نبود که رفتی شوتی؟

«چرا. رفتم. چند جا برای کار رفتم. رفتم آژانس مسافری، مردا خیلی اذیتم می‌کردن. مسافر مرد سوار می‌کردم، می‌نشست صندلی جلو، با انگشتش روی کمرم فشار می‌داد، دستش رو می‌زد به دستم. رفتم شرکت ماهی فروشی، مدیر شرکت اذیتم می‌کرد. توی هیچ شغلی امنیت جانی نداشتم.»

هر بار که سرتیم به مریم خبر می‌دهد فردا آماده باشد، مریم هم برای روز بعد و بعدترش، غذاهای ساده‌ای برای بچه‌اش می‌پزد و روی کاغذ می‌نویسد که هر کدام، چه وقت و چطور گرم شود. بچه؛ فرشاد ۲۳ ساله که از ناشنوایی، از درد گوش و از دردهای شدید ناحیه جمجمه

> **«شوتی»، مرد یا زنی است که هول زده، صندلی عقب ماشینش را در می‌آورد، از کف تا سقف فضای خالی پشت صندلی راننده را بسته‌های ریز و درشت می‌چپاند به مقصد شیراز و اصفهان و تهران، بار قاچاق را با یک چادر کُدری استتار می‌کند، پشت فرمان که می‌نشیند، موتور را به قصد ۱۷۰ یا ۱۹۰ یا ۲۰۰ آتش می‌کند، وقتی به مقصد می‌رسد و ۳۵۰ هزار تومان مزد می‌گیرد، برگه کوچکی از جیبش بیرون می‌آورد و روی یکی دیگر از قسط‌های بدهکاری‌اش، ضربدر می‌کشد...**

دچار ناتوانی شده، فقط در بار زدن جنس به مادر کمک می‌کند و کار دیگری از دستش برنمی‌آید.

بدترین خاطره‌ات از شوتی رفتن چی بود؟

«ساعت ۴ صبح بود. زمستون پارسال. بارم پارچه بود. چراغ استوپ ماشینم روشن و خاموش می‌شد. چشمم به چراغ ماشینم بود که رسیدم سر پیچ. دیگه کنترل ماشین از دستم رفت. زدم روی ترمز، ماشین دور برداشت. از نوک جاده افتادم ته دره. فقط فرمون رو محکم گرفته بودم و می‌گفتم یا ابوالفضل کمکم کن. دو تا درخت کُنار توی سراشیبی دره بود. درخت اول، تنه سفتی داشت. ماشین من از روی تنه این درخت، پرید و افتاد روی درخت پایین‌تر که تنه نرم‌تری داشت و این درخت دوم، ضرب سقوط رو گرفت. ماشین مثل پر نشست روی زمین. خودم سالم موندم، ماشینم هم سالم موند، فقط رادیاتش به سنگ خورد و پکید. از ماشین بیرون اومدم و دیواره دره رو چنگ می‌زدم و می‌افتادم و دوباره دیواره رو می‌گرفتم تا رسیدم به جاده. هوا هنوز تاریک بود. وسط جاده بودم که یک شوتی می‌رفت تعزیرات و منو دید. گفت چی شده مریم؟ ماشینت کجاست؟ گفتم ته دره. رفت نگاه کرد و گفت برو خدا رو شکر کن که سالمی چون کسی از این دره زنده بالا نیومده. دور برگردون دره رو رفت پایین و بارم رو توی ماشین خودش خالی کرد که اگر مامور اومد ماشینمو نخوابونه. بعد تلفن کرد جرثقیل اومد و ماشینمو کشیدن بالا. بعد پارسال، بچه‌ها اسم اون پیچ رو گذاشتن پیچ مریم.»

بوشهری‌ها، وقتی می‌خواهند درباره خشکسالی حرف بزنند، اول یک سوال می‌پرسند: «ندیدی ای همه نخل سوخته رو جاده که می‌اومدی؟»

نخل در این وسعت ۲۷ هزار کیلومتری، به اندازه یک آدم زنده می‌ارزد. در بوشهر، وقتی یک نخل می‌خشکد، انگار یک آدم مرده است. در بوشهر، تبلیغ «برش نخل، رایگان» فراوان است. در بوشهر، نخل‌های سوخته کمر شکسته از بی‌آبی، فراوان است. در بوشهر، هر نخلی که می‌خشکد، یعنی یک نفر به جمع «شوتی‌ها» اضافه می‌شود.

«الان دیگه قاچاق سوخت صرف نداره چون گازوییل شده لیتری ۱۰۰۰ تومن. اون وقتی قاچاق سوخت سود داشت که گازوییل لیتری ۳۰۰ تومن بود و صاحب لنج محدودیت سهمیه مازوت نداشت و اضافه سوختش رو می‌برد کویت و قطر می‌فروخت لیتری ۵۰۰ تومن. دو سال قبل، سه تا دبه کشویی توی ماشین می‌زدیم، ۱۲۰۰ لیتر گازوییل می‌بردیم گناوه، ۴۵۰ هزار تومن می‌گرفتیم.»

بوشهر، بدل «بارانداز» است. عسلویه و کنگان و گناوه؛ شمال و جنوب استان، تحت سلطه شوتی‌های قلدر است و دشتستان و تنگستان؛ مرکز استان، در سیطره شوتی‌های قلندر. از عسلویه و کنگان و گناوه، بارهای خطرناک راهی می‌شود و از دلوار و برازجان و بوشهر، بارهای بی‌خطر. از دلوار و برازجان و بوشهر، پارچه و گردو و بادام و گوشی موبایل و قطعات کامپیوتر و کفش و لباس، بار صندوق شوتی می‌شود و از عسلویه و کنگان و گناوه، شیشه و مشروبات الکلی. شوتی‌های دلوار و برازجان و بوشهر، حداکثر خلاف‌شان، در گِل مالی پلاک خودرو تمام می‌شود و شوتی‌های عسلویه و کنگان و گناوه، آپاچی‌های مسلحی هستند نماد شجاعت و جسارت و رویای تمام نشدنی شوتی‌های دشتستان و تنگستان.

«مواد و مشروب و سیگار از سمت عسلویه و کنگان و گناوه و جم، می‌ره شیراز. از چابهار با قایق می‌رسه عسلویه. بری سمت چابهار، می‌بینی ۷ تا بشکه کف قایق بسته شده. همه هم از پاکستان. یک قایق، بار شیشه آکبنده، دو تا قایق اسکورتش می‌کنن. اسکورت مسلح. توی عسلویه و گناوه و کنگان، باید عرضه داشته باشی شوتی باشی. دلوار که مامور بیفته دنبال شوتی، حکم تیر داره که به دست شوتی بزنه و شوتی هم برای در رفتن از دست مامور، دو تا تیر هوایی شلیک می‌کنه، عسلویه، اسکورتی شوتی گلنگدن رو می‌کشه و کل خشاب رو روی سر مامور خالی می‌کنه.»

در استان بوشهر، در روستاها و شهرهایش، از مردم که درباره «شوتی‌ها» بپرسی، با مردم که درباره «شوتی‌ها» حرف بزنی، مرد و زن، لبخند گنگی به لب‌شان می‌آید و سرشان را به نشانه بی‌خبری تکان می‌دهند. «شوتی» برای بوشهر، حکم چریک را دارد...

الو...اعتماد

۶۶۴۲۶۱۹۶ | ۳۰۰۰۴۷۵۳ | الو... اعتماد

عید دیگه چه معنایی داره وقتی نمی‌تونیم آجیل کیلویی خدادتومان را بخریم؟ وقتی که پول برای دو هفته تعطیلات را نداریم که مسافرت برویم یا میزبان میهمانان‌مان باشیم؛ عید جز خجالت زن و فرزند برای ما چه دارد؟

۰۲۱۵۰۰۰۵۷۲۱

دیروز تهران کاملا قفل بود. از ظهر نمی‌شد در خیابان‌ها رفت و آمد کرد... واقعا دلیل این‌همه ترافیک چه بود؟ چرا باید روزهای مناسبتی تا این حد خیابان‌ها ترافیک داشته باشد؟ تا کی باید نگران ترافیک‌های روزهای پایانی سال و علافی‌های چندساعته باشیم؟

۰۹۳۶۰۰۰۸۱۸۱

با وجودی که این‌همه هشدار در مورد شب چهارشنبه‌سوری داده می‌شود، باز هم مردم و به‌خصوص جوانان شهر را به صحنه جنگ تبدیل می‌کنند. چرا قوانین ما به گونه‌ای نیست که جلوی تخلفات این شهروندان را بگیرد؟ پس نیروی انتظامی چه می‌کند؟!

۰۹۱۲۰۰۰۲۲۶۳

دیروز خبری را خواندم که در آن یکی از مسوولان گفته بود ممکن است تلگرام را فیلتر کنند...! واقعا چه فکری می‌کنند؟ چرا نمی‌خواهند قبول کنند که دوران فیلترینگ تمام شده است؟! ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که به دهکده شیشه‌ای و جهانی معروف است. یعنی دیگر نمی‌توان جلوی انتشار اخبار را گرفت... در چنین شرایطی دوستان فکر می‌کنند با فیلتر کردن تلگرام می‌توانند فرآیند انتشار اخبار را محدود کنند؟ به جای این کارها بهتر نیست سیاست‌های خبری‌مان را اصلاح کنیم؟

۰۹۱۲۲۰۰۰۱۱۴۶

شهر

لغو مصوبه «برج باغ» پس از ۱۴ سال

اعضای شورای شهر تهران دیروز به لغو مصوبه برج باغ رای مثبت دادند

لغو مصوبه برج باغ در حالی است که اعضای شورای شهر این مصوبه را قاتل باغات تهران معرفی کرده و سرانجام بعد از ۱۴ سال این مصوبه شورای شهر دوم با کسب اکثریت آرا لغو شد. بر اساس این مصوبه، شهرداری تهران ملزم شد تا ظرف یک ماه پیشنهاد جایگزین را اعلام کند که پس از بررسی جزییات طرح مقرر شد تا شهرداری تهران طی دو ماه یک لایحه جدیدی برای حفاظت و صیانت از باغات تهران به شورای شهر ارایه کند. **ایسنا**

رییس کمیسیون حمل و نقل شورای شهر:

ثبت‌نام متقاضیان طرح جدید ترافیک تا پایان سال

رییس کمیسیون حمل و نقل شورای شهر تهران در خصوص ثبت‌نام متقاضیان برای دریافت آرم طرح ترافیک گفت: طی روزهای آینده در خصوص ثبت‌نام اطلاع‌رسانی صورت می‌گیرد و سایت اعلام می‌شود. محمد علیخانی، در خصوص طرح ترافیک جدید شهرداری تهران گفت: معاون حمل و نقل و ترافیک شهرداری تهران در جلسه کمیسیون عمران شورا حضور یافت و در خصوص آخرین اقدامات صورت گرفته برای طرح ترافیک جدید توضیح داد. وی با بیان اینکه دوربین‌های خروج برای طرح در محدوده طرح ترافیک نصب شده است، گفت: کلیدی‌ترین اقدام نصب دوربین‌های خروج بود که انجام شد. رییس کمیسیون حمل و نقل شورای شهر تهران در خصوص ثبت‌نام متقاضیان برای دریافت آرم طرح ترافیک گفت: از این پس برنامه‌ها نرم‌افزاری است و مشکل خاصی وجود ندارد و طی روزهای آینده در خصوص ثبت نام اطلاع‌رسانی صورت می‌گیرد و سایت ثبت‌نام اعلام می‌شود. وی در خصوص تعیین آیین‌نامه برای خبرنگاران برای دریافت آرم طرح ترافیک گفت: آیین‌نامه در سال ۹۶ تهیه نمی‌شود و احتمالا در فروردین سال ۹۷ این آیین‌نامه تهیه می‌شود. به گفته علیخانی، شهرداری پیشنهادات خود را به کمیسیون حمل و نقل شورا می‌آورد و در یک جلسه موضوع را جمع می‌کنیم. علیخانی تایید کرد: طرح ترافیک خبرنگاران تا پایان فروردین ۹۷ اعتبار دارد. **فارس**

جدول

سودوکو

				۲			۹	
			۱		۹	۸		
			۷		۴	۱		۶
۹	۱					۴	۶	۸
	۳						۵	
۲	۷	۸					۱	۹
۱		۹	۴		۳			
		۳	۵		۲			
	۵			۶				

۵	۸	۶	۳	۲	۴	۷	۱	۹
۷	۴	۹	۸	۱	۶	۵	۲	۳
۲	۳	۱	۹	۵	۷	۴	۸	۶
۱	۹	۳	۷	۶	۸	۲	۵	۴
۸	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۹	۷
۴	۲	۷	۱	۹	۵	۳	۶	۸
۹	۷	۲	۵	۸	۳	۶	۴	۱
۶	۱	۴	۲	۷	۹	۸	۳	۵
۳	۵	۸	۶	۴	۱	۹	۷	۲

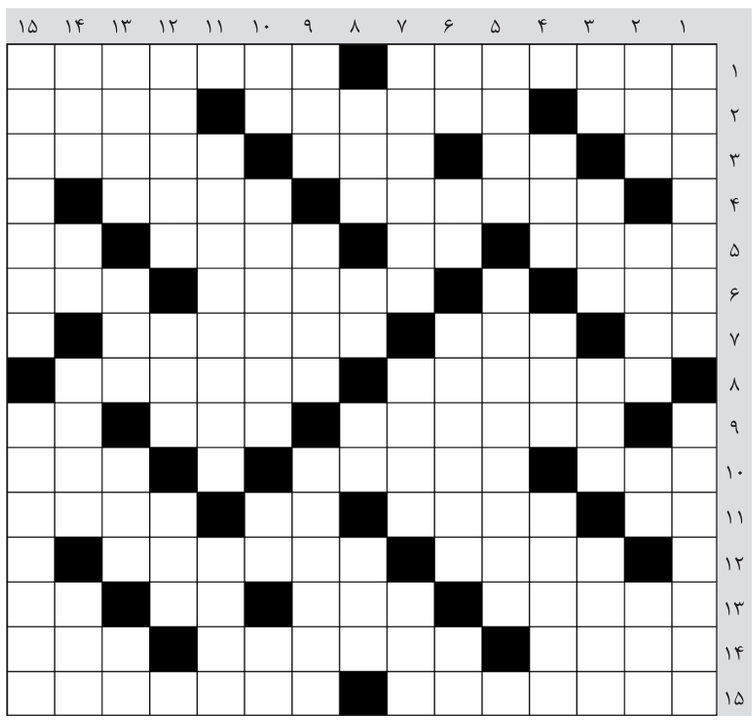

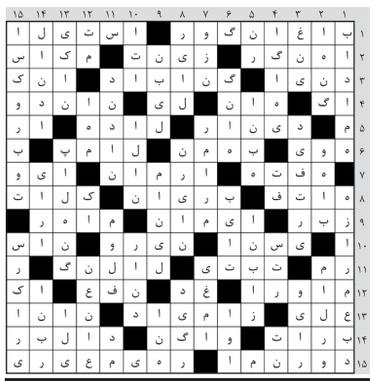

متقاطع

افقی

۱-سیاستمدار-بارومتر
۲-جایز-از شهرهای خراسان-دخمه اموات اشکانیان
۳-درخت جدول-حرف همراهی عرب-درخت جنگلی-لوز
۴-کار بزرگ و برجسته-ریز نمرات
۵-معصیت-ترنجبین-لیف حمام-چاشنی غذا
۶-مقصدش دریاست-بیماری آفریقایی-بخشش
۷-حرف آخر-پول فلزی-تفنن
۸-یاقوت سرخ-جد رستم
۹-سپهبد فرانسوی-چوبه اعدام-حرف انتخاب
۱۰-آسمون جل-ملاقات کردن-دیروز
۱۱-دل آزار کهنه-اهرم-برگ برنده-قلعه مستحکم
۱۲-الگو-اداره بهداشت
۱۳-کدخدا-آیین-افشرده گوجه-سرای محبت
۱۴-سخن چین-فقیر و بینوا-شیوا
۱۵-نت-ماشین

عمودی

۱-نجاری-لاینحل
۲-ذره باردار-جانشینان-آب روستایی-مرغ سعادت
۳-عضو دونده-خرم-اراده قوی-دایر و برقرار
۴-قمر-منزل-فرکانس
۵-صیغه-گارمون
۶-دویار هم قد-اندک-خواهر گرامی-رنگ موی فوری
۷-پایتخت آلبانی-پشیمان-عضو پرکاربدن
۸-محموله-کافی-حرف نفی عرب-خانه شعر
۹-آشکار شدن خبر-حمله و هجوم-هادی
۱۰-از افعال ربطی-هلی کوپتر-آب بند-یادداشت
۱۱-ویزیتور-زبان مردم کشور پاکستان
۱۲-کثرت آمد و شد-گذر گاه-غم و غصه
۱۳-خانقاه-جاسوسخانه امریکایی-شیمی کربن-پروردگار عالم
۱۴-شهر نیروگاه-چهره-پدر شعر نو-یک دهم
۱۵-اصطلاحی در ورزش بسکتبال-آزادی داشتن